

نیم‌نگاهی تطبیقی و تحلیلی بر اعجاز همگونِ ناکامی‌های عشقی در کامیابی‌های حیات شعری نیمایوشیج و نزار قَبّانی

دکتر نصرت اله دین محمدی کَرَسفی

چکیده:

عشق، یکی از کشش‌های نهاد ناخودآگاه هر انسان به شمار می‌آید. عشق به معشوقه زمینی (زن)، یکی از مراتب مقدّس عشق است که انعکاس شعورمند آن از جانب زن و درک عاشقانه و عاقلانه آن از سوی مرد و تبادل این مهر شورانگیز بین طرفین عشق، می‌تواند خالق معجزه‌ای باشد که بعضاً تمام زندگی و افکار و گفتار و کردار عاشق و معشوق را تحت الشعاع خود قرار دهد. نمونه‌ای از این اعجاز عشق زمینی، در زندگی دو تن از شاعران بزرگ ایران و عرب (نیمایوشیج و نزار قَبّانی) اتفاق می‌افتد. نیما در دوره نوجوانی و جوانی به ترتیب عاشق دختری به نام صفورا و هلنا می‌شود و در هر دو عشق آغازینش شکست می‌خورد و ناکامی او به ویژه در ازدواج با عشق آغازینش (صفورا)، یکی از عواملی می‌شود که زمینه‌های انزوای شاعرانه او و در نتیجه کامیابی در عرصه شعری را فراهم می‌سازد. مشابه این اتفاق در زندگی نزار قَبّانی نیز می‌افتد. او هم به دلیل نارضایتی از ازدواج اولش با دختر عموی خود (زهره آقبیق)، ناکامی‌هایی را در نیل به آرزوهایش احساس می‌کند. لذا امید دستیابی به رویای شیرین درونیش، یکی از آبشخورهای کامیابی او در جلا دادن، پر جازبه ساختن و متمایز نمودن شعرهای شورانگیزش در باب «زن» و «عشق» می‌گردد. ادامه این روند، قَبّانی را به یکی از شخصیت‌های فمینیستی جهان عرب تبدیل می‌کند. بنابر این اعجاز گمشده‌های عشقی، تأثیرات مشابهی در شکل‌دهی به شخصیت شعری نیما و قَبّانی داشته است که نگارنده می‌کوشد در این مقاله با سود جستن از نقد روانکاوی زیگموند فروید و به شیوه ادبیات تطبیقی (Comparative Literature) به بررسی و شناسایی اعجاز ناکامی‌های عشقی این دو شاعر بزرگ در کامیابی‌های حیات شعری آنها بپردازد.

کلمات کلیدی: عشق، نیمایوشیج، نزار قَبّانی، ادبیات تطبیقی، صفورا، بلقیس‌الراوی.

استادیار ادبیات فارسی، واحد خدابنده، دانشگاه آزاد اسلامی، خدابنده، ایران.

dnosratollah@yahoo.com

Associate professor, Department of Persian literature, Azad Islamic University, Khodabandeh Branch, Khodabandeh, Iran.